

الگوی ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی

نیک محمد خلیلی*

چکیده

ارتباطات انسانی یکی از دانش‌های نوینی است که اهمیت آن به دلیل پیشرفت‌های علمی و تغییراتی در سبک زندگی بشری روز به روز بیشتر می‌شود. توجه به اصول و مبانی این دانش نوین برای بهبود زندگی اجتماعی انسان و داشتن ارتباط صحیح با دیگران ضروری است. هدف پی‌گیری و پیوند دادن مبانی این دانش نوین با فرهنگ و سیره اخلاقی امام رضا (ع) است تا بتوان به فهمی عمیق از سیره عملی ایشان در همه سطوح ارتباطات انسانی دست یافت.

آنچه که از مجموع روایت‌های ائمه (ع) و گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید ارتباطات گسترده و مؤثر امام رضا (ع) با فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماع است.

در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی تلاش می‌شود در ابتدا الگویی برای عمل مسلمانان به این آموزه‌های دینی ارائه داد و بعد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و ارتباطی را در جامعه اسلامی پایه ریزی کرد.

واژه‌های کلیدی: امام رضا (ع)، ارتباطات انسانی، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیرکلامی، فرهنگ.

مقدمه

ارتباطات انسانی بخش عمده‌ای از زندگی هر فرد را تشکیل داده است و حیات اجتماعی انسان بدون توجه به این نوع از ارتباط امکان پذیر نیست. یکی از پژوهشگران رانکین پیشگام علم ارتباطات به این نتیجه رسیده که در حدود ۷۰ درصد از زمان بیداری افرادی که او در باره آن‌ها مطالعه کرده است، در ارتباطات می‌گذرد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۳). میل بر قراری ارتباط با دیگر انسان‌ها به طور طبیعی در نهاد بشر قرار داده شده و انسان برای تداوم حیات اجتماعی خود نیازمند بر قراری ارتباط با دیگران است. این امر فطری در مورد ائمه معصومین (ع) به دلیل اینکه وظیفه خطیر هدایت الهی بعد از پیامبر (ص) بر عهده آن‌ها بوده حساسیت بیشتری پیدا کرده است. مطالعه دقیق تاریخ زندگی ائمه (ع) و روایت‌ها و آثار به جامانده از آن‌ها، به شناخت فرهنگ اسلامی و ارتباطات انسانی آنها منجر می‌شود. امام رضا (ع) در مدت کوتاه سه سال ولایتعهدی شبکه وسیع ارتباطی را براساس فرهنگ امامت و ولایت بنا نهادند. فرهنگ، دارای ابعاد وسیعی است اما در این بررسی، براساس تعریف ادوارد تایلور، نگاه پژوهشگران به بعد اجتماعی آن است و به ارتباطات امام رضا (ع) با طبقات مختلف اجتماع می‌پردازند.

بررسی دقیق جنبه‌های مختلف ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی نیازمند پاسخ به مسائل این چنینی است: نوع نگاه به فرهنگ؟ چگونگی رابطه فرهنگ و ارتباطات؟ چگونگی تعامل امام رضا (ع) با طبقات مختلف اجتماع؟ گستره ارتباطات امام (ع)؟ ویژگی‌های نهفته در ارتباطات امام (ع)؟ ریشه و مبنای قرآنی این ارتباطات؟ آیا سیره عملی امام (ع) می‌تواند مؤیدی برای نظریه‌های غربی پیرامون ارتباطات باشد.

فرضیه ما این است که امام رضا (ع) به عنوان حجت خدا بر اهل زمین، از تمامی روش‌های مؤثر ارتباطی برای ابلاغ پیام الهی و هدایت بندگان بهره جسته‌اند. نوآوری مقاله حاضر، بررسی ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی با توجه به ویژگی‌های سطوح ارتباطات انسانی در دو حوزه کلامی و غیرکلامی است. در ادامه ابتدا به مفهوم فرهنگ و مفاهیم مرتبط با آن در ارتباطات پرداخته، سپس انواع ارتباطات انسانی در حوزه برون فردی همچون ارتباط میان فردی، گروهی و جمعی تبیین و در نهایت ارتباطات کلامی و غیرکلامی امام رضا (ع) بررسی خواهد شد. درباره این موضوع تاکنون بررسی جامعی صورت نگرفته، هرچند به تازگی مقاله‌ای در هشتمین

شماره فصلنامه علمی، پژوهشی فرهنگ رضوی منتشر شده که براساس مدل ارتباطات انسانی برلو، سیره ارتباطی امام رضا (ع) از مدینه تا مرو را تحلیل و بررسی کرده است.

فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی واژه بسیار کهنی است که پیشینه آن را از زبان پهلوی در دست داریم. این واژه از دو پاره تشکیل شده است یکی پیشوند «فر» به معنای «پیشین» و بن واژه «هنگ» به معنای کشیدن، در نتیجه معنای ریشه‌ای واژه «فرهنگ» پیش کشیدن یا فراکشیدن است (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۴). برای اولین بار مردم‌شناس انگلیسی ادوارد بانن تایلور در سال ۱۸۷۱م. با انتشار کتاب فرهنگ ابتدایی واژه فرهنگ را از معنی کلاسیک آن خارج و مترادف با تمدن این گونه تعریف کرده است: «همه آن دسته از عقاید و افکار (آن کلی پیچیده) که در بر گیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادت‌ها و هر قابلیت یا عادتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد فرهنگ نام دارد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۵۵). به این معنا انسان «بی‌فرهنگ» و جامعه «بی‌فرهنگ» در کار نیست زیرا زندگی اجتماعی یعنی با هم زیستن و به معنای در فرهنگ زیستن است (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۱۲). پس در نتیجه با تعاریف و کار کردهایی که از واژه فرهنگ ارائه شد جستار حاضر به مقوله فرهنگ از دریچه اخلاق و ادب اجتماعی نگریسته است.

۲. ارتباطات کلمه ارتباطات از لغت لاتین «Communicare» مشتق شده و از آن «انتقال مفاهیم»، «انتقال معانی»، «انتقال و تبادل پیامها» بین عموم مردم برداشت می‌شود (فرهنگی ۱۳۷۳: ۳). تعاریف اولیه ارتباط که در علم ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته، به سه عنصر فرستنده، پیام و گیرنده تکیه داشت، اما با گذشت زمان و تفکر در پیچیدگی‌های مفهوم ارتباطات، عناصری همچون معنی، کانال پیام، وسیله انتقال پیام، پارازیت و مدنظر قرار گرفت که ارتباطات را به عنوان رشته‌ای علمی مطرح کرد (محسنیان راد، ۱۳۸۲: ۴۲-۵۷). دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به ارتباطات وجود دارد که هر کدام نظریه‌های خاصی را به دنبال داشته است. کریگ با توجه به عدم انسجام نظریه‌های ارتباطات، آنها را به هفت روش تقسیم بندی می‌کند: معانی بیان، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، سایبرنتیک، روانشناسی اجتماعی، فرهنگ شناسی اجتماعی و انتقادی (۱۹۹۹: ۱۱۹-۱۶۱).

محسنیان راد با بررسی چندین تعریف از اندیشمندان این حوزه در کتاب ارتباط شناسی، به تعریفی از ارتباط براساس معنا دست یافته است که به تجلی معنی در گیرنده پیام اشاره دارد. او می‌نویسد: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از فرستنده به گیرنده، مشروط برآنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (۱۳۸۲: ۵۷).

انواع ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی در مرحله اول به چهار دسته اساسی تقسیم می‌شود: ۱. ارتباط درونفردی این نوع از ارتباط، در حقیقت حرف زدن با خود است و هر یک از ما به نحوی با خود یک ارتباط درونی برقرار می‌کنیم (بلیک، ۱۳۷۸: ۳۹).

۲. ارتباط میانفردی بر ارتباط رو در روی دو نفر دلالت دارد (گیل و ادمز، ۱۳۸۴: ۲۶). ۳. ارتباطات گروهی به ارتباط میان افراد یک گروه یا ارتباط میان گروه‌های مختلف اطلاق می‌شود (همان: ۴۰) مانند سخنرانی در مجالس عمومی یا جلسه‌های اداری. ۴. ارتباطات جمعی ارتباط جمعی اساساً یک طرفه است و شیوه مؤثری برای دریافت بازخوردها وجود ندارد (همان: ۲۸).

سطوح ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی در مرحله بعد برای ارتباطات برونفردی که شامل سه دسته آخر می‌شود، به دو دسته ذیل قابل تقسیم است:

۱. ارتباطات کلامی

روابطی است که میان انسان‌ها براساس گفتار و کلام شکل می‌گیرد. بنابراین مهارت‌های چهارگانه گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن برآمده از ارتباطات کلامی است. در این نوع ارتباط، خود کلام مورد توجه است و لحن کلام، تندی و نازکی صدا در ارتباطات غیرکلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. سخن و کلام برای فرستنده پیام در گفتار و نوشتار و برای گیرنده پیام در شنیدن و خواندن منعکس می‌شود. محققان، عموماً معتقدند که انسانها در ابتدا برای برقراری ارتباط به طرز حرکت اندام بدن اتکا می‌کردند و بعد رمزی را قرارداد کردند که به وسیله آن می‌توانستند ارتباط گفتاری نیز برقرار کنند (برکو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

۲. ارتباطات غیرکلامی

از آنجایی که ارتباطات انسانی فراتر از کلام است، بسیاری از اندیشه‌ها و احساس‌های بشری از طریق ارتباطات غیرکلامی منتقل می‌شود. ارتباط غیرکلامی، ارتباط از طریق کلیه محرکهای بیرونی غیر از کلمه‌های نوشتاری و گفتاری است. انسان شناس آمریکایی، بیردویسل، برآورد کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام، به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی مانده آن در زمره غیرکلامی است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۷۲). هر فرهنگی، زبان بدنی خاص خود را دارد. کانال‌های ارتباط غیرکلامی عبارت‌اند از: زبان بدن (حرکت گفتاری)، صداها (شبه اصوات)، فضا (مجاورت)، زمان، شامه، زیبایی شناسی، مشخصات فیزیکی و مصنوعات (برکو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۲). به همین دلیل، وقتی ارتباط غیرکلامی را در فرهنگ رضوی در نظر بگیریم با موضوع‌ها و مسائل متعددی روبرو می‌شویم که نشان دهنده پیچیدگی و گستردگی این نوع از ارتباط است.

رابطه فرهنگ و ارتباط

اگر می‌خواهیم با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کنیم، باید به رابطه بین فرهنگ و ارتباط توجه کافی داشته باشیم. فرهنگ، پدیده‌ای ارتباطی است، زیرا فرهنگ از طریق فرایند ارتباط، به صورت کتبی یا شفاهی یا کلامی و غیرکلامی مبادله می‌شود (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۴).

ارتباطات درون فرهنگی و میان فرهنگی

وقتی با فردی که علقه فرهنگی داریم مراوده می‌کنیم، در حقیقت در حال برقراری «ارتباط درون فرهنگی» هستیم. اما وقتی با فردی که هیچ علقه فرهنگی نداریم (یا دارای پیوندهای ضعیف فرهنگی هستیم) ارتباط برقرار می‌کنیم، این ارتباط «ارتباط میان فرهنگی» نامیده می‌شود. وقتی افراد با فرهنگ‌های مختلف در یک مکان زندگی می‌کنند، مشکلات خاص چند فرهنگی میان آنها بروز می‌کند (همان: ۴).

موقعیت فرهنگی امام(ع) و مخاطبان

به خاطر جغرافیای سیاسی خراسان در عهد ولایتعهدی امام رضا(ع)، فرهنگ‌های گوناگونی در منطقه مرو حاکم بوده است. امام رضا(ع) با اخلاق اسلامی خود مرزهای فرهنگی را درنوردیدند. ازاین رو مشاهده می‌کنیم، به خاطر تعامل سازنده امام(ع) با فرهنگ‌های مختلف و بعضاً مغایر با فرهنگ

رضوی مشکلات خاص چندفرهنگی میان آنها بروز نکرده است.

مهارت‌های ارتباطی امام رضا(ع)

شرط اساسی داشتن یک ارتباط برونفردی مؤثر، برخورداری و بهره برداری از مهارت‌های گوناگون ارتباطی است. در ادامه، انواع مهارت‌های ارتباطی امام رضا(ع) در سطوح کلامی و غیرکلامی با اقشار و طبقات مختلف اجتماع بیان خواهد شد.

۱. همزبانی با مردم

اولین مهارت برای برقراری ارتباط مؤثر با مردم دانستن زبان آن هاست. امام رضا (ع)^(۴) تأکید زیادی بر این مطلب داشتند و حتی در توصیه غیرمستقیم به مأمون عباسی می‌فرمایند: «كلم الناس بما يعرفون» (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج: ۱، ۸۳) یعنی به وسیله آنچه مردم می‌شناسند با آنها سخن بگو. به فرموده امام رضا (ع)^(۴) از ویژگی‌های ضروری حجت خدا روی زمین اعم از انبیا و اوصیا، دانستن زبان عموم مردم است (صدوق، ۱۳۷۸، ج: ۲، ۲۲۸). امام رضا(ع) با مردم، به زبان آنها سخن می‌گفتند و فصیح‌ترین و داناترین فرد به هر زبان و لغتی بودند (مرعشی تستری، ۱۴۰۹، ج: ۲۸، ۵۹۰). دانستن زبان مخاطب برای امام رضا(ع)، نسبت به دیگر ائمه معصومین(ع) از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا گستره ارتباطی ایشان بسیار وسیع‌تر از دیگر ائمه(ع) بوده است. امام(ع) در زمان ولایتعهدی، با فرهنگ‌ها و لهجه‌های مختلفی روبرو بودند و به جای استفاده از مترجم خود با زبان مخاطبان تکلم می‌کردند، این ارتباط مستقیم، از مهارت‌های مؤثر ارتباط میانفردی است حتی حجت خدا در خارج از حیطه ارتباطات انسانی با موجودات دیگر نیز ارتباط برقرار می‌کند؛ خداوند متعال در قرآن از قول حضرت سلیمان(ع) می‌فرماید: «یا ایها الناس علمنا منطق الطیر؛ ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده است» (نمل ۱۶). داستان ارتباط برقرار کردن و تکلم امام رضا(ع) با شیر(صدوق، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۹۶)، آهو (همان، ج ۲: ۲۸۵) و گنجشک (صفر، ۱۴۰۴، ج: ۳۴۵) هم مؤیدی بر همین مطلب است. دانستن زبان مردم، شرط اساسی همدلی با آنهاست.

۲. همدلی با مردم

همدلی دومین مهارتی است که از طریق آن می‌توان به شناخت بیشتری از دیگری دست یافت و از این طریق به تفاهم بیشتری با دیگری رسید

(فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۴). در سیره اخلاقی امام رضا (ع) نمونه‌های فراوانی از همدلی و هم‌دردی با مردم سراغ داریم. طبرسی از محمد بن ابوعباد نقل کرده است: «امام رضا (ع) در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس بودند. جامه‌ی خشن می‌پوشیدند و چون در میان مردم می‌آمدند آنرا زینت می‌دادند» (امین عاملی، ۱۳۷۶: ج ۵: ۱۴۵). در توضیح مطلب فوق می‌توان گفت: تلاش امام رضا (ع) همراهی با مشکلات مردم و همگامی با آداب اجتماع بوده و در ضمن مبارزه با نفس، توجه کافی به شرایط اجتماعی داشته‌اند. با دقت در این گزارش تاریخی، مشخص می‌شود که امام (ع) برای همدلی با عامه مردم که فقیر بودند، خود را به شرایط سخت عادت می‌دادند، از طرفی به خاطر موقعیت حساس‌شان در جامعه اسلامی، به آراستگی ظاهر خود نیز توجه کافی داشته‌اند. نمونه‌ای دیگر از همدلی ایشان با مردم، شرکت در غم و شادی آن‌هاست.

موسی بن سیار می‌گوید: همراه امام رضا (ع) در یکی از کوچه‌های طوس می‌رفتیم که صدای گریه و زاری شنیدم. پس به دنبال صدا رفتم و متوجه جنازه‌ای شدم. در این هنگام، مولایم امام رضا (ع) را دیدم که از اسب پیاده شدند، به سوی جنازه رفتند و با حالتی سرشار از مهربانی و عطوفت، با آن انس گرفتند. سپس رو به من کرده و فرمودند: ای موسی بن سیار، هر کس جنازه‌ی یکی از دوستان ما را تشییع کند، از گناهان خود بیرون می‌رود همانند روزی که از مادر به دنیا آمده است. بعد از آنکه جنازه آن مرد را بر کناره قبر گذاشتند، مولایم به کنار قبر رفتند، دست مبارک را بر سینه آن مرد نهاده و فرمودند: ای فلانی، مژده باد بر تو بهشت، بعد از این بر تو باکی نیست. از حضرت پرسیدم: فدایت شوم، آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما که هیچگاه به این محل نیامده‌اید؟ امام (ع) فرمودند: ای موسی بن سیار، مگر نمیدانی که هر صبح و شام کارهای شیعیان ما بر ما عرضه می‌شود، هر کوتاهی که در اعمال‌شان باشد، از خداوند برای صاحبش طلب گذشت می‌کنیم و آنچه که از اعمال نیکو و بلندمرتبه باشد، از خداوند برای صاحبش طلب شکر می‌نماییم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ج ۴: ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹: ۹۸-۹۹).

عیادت از مریضان و دل‌داری دادن به آنها از ویژگی‌های اخلاقی امام رضا (ع) است (مجلسی، ۱۳۸۰: ۶۳؛ رک: قمی، ۱۳۷۹: ج ۳: ۱۶۳۶).

ایشان با این شیوه، اهمیت خود را نسبت به آنها نشان داده و ارتباط میان فردی مؤثر

را برقرار کرده‌اند. روش برخورد امام (ع) با مردم و مأمون با مردم، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ رضوی برخلاف فرهنگ عباسی، فرهنگ همدلی و همزبانی است. معروف کرخی که از غلامان امام (ع) بود، روحیه همدلی ایشان را چنین شرح می‌دهد: امام رضا (ع) وارد حمام شدند، مردی که حضرت را نمی‌شناخت، به ایشان گفت بدن مرا مالش ده، امام (ع) شروع به مالش بدن او نمودند. هنگامی که مردم آن مرد را متوجه خطایش کرده و حضرت را به او معرفی کردند، با پریشانی شروع به عذرخواهی کرد، اما امام (ع) همچنان به مالش بدن او ادامه و او را دلداری می‌دادند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۲). نکته برجسته این گزارش تاریخی، دلداری دادن امام (ع) به آن شخص است. درک و پذیرش خطای اشخاص نشانه همدلی و حساسیت و بی‌تفاوت نبودن نسبت به آنهاست. - همدلی محتاج حساسیت نسبت به دیگران و توانایی ارائه این حساسیت و نشان دادن آن به دیگران است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۶)

نه تنها شرکت در غم و اندوه دیگران، بلکه شرکت در شادی آنها هم از نشانه‌های همدلی امام (ع) با مردم شمرده می‌شود. توجه و اهتمام ایشان به شاد کردن شیعیان به قدری است که به حسن بن علی و شا از شاگردان خود فرمودند: «من فرج عن مومن فرج الله عن قلبه يوم القيامة؛ هر کس اندوه مومنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم را از دلش می‌زداید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۰۰). تبسم کردن به شیعیان و صله دادن به شاعران، از روشهای همدلی امام (ع) با مردم به حساب می‌آیند (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۲۰۰؛ اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۷۸۸؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۲).

۳. توجه به حق و حقوق مردم

مشکل اساسی برخی از جوامع انسانی، نادیده گرفتن حق و حقوق مردم است که منجر به قطع ارتباط مسئولان با مردم می‌شود. جهان غرب که امروز مدعی حقوق بشر است، در سالهای دور (قرون وسطی) مهد تبعیض میان افراد بشر بوده است؛ در حالیکه در همان زمان، آیات قرآن و سیره عملی ائمه (ع) بر حفظ کرامت و جایگاه انسانی، به دور از هرگونه تبعیض تاکید می‌کردند؛ چنانکه در قرآن آمده است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم؛ ای مردم!

ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» (حجرات/۱۳).

نمونه‌های متعددی از برخورد کریمانه امام رضا(ع) با مردم سراغ داریم که حضرت براساس همین آیه از قرآن بسیاری از تبعیض‌های اجتماعی را از میان برداشته‌اند. از اینرو در سیره عملی امام(ع) مشاهده می‌کنیم که هیچگاه به غلامان و بردگان خود دشنام ندادند، بلکه هنگامی که سفره طعام انداخته می‌شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشانند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴).

به عقیده امام رضا(ع) بدترین مردم کسی است که غلامش را شلاق بزند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۸).

در اصول کافی، از عبدالله بن صلت از مردی بلخی چنین نقل شده است: من در سفر امام رضا (ع) به خراسان، در خدمت ایشان بودم. حضرت دستور فرمودند سفره غذا را پهن کنند. در این هنگام تمام غلامان آن حضرت از سیاهان و غیر آنها کنار سفره ایشان گرد آمدند. من به امام (ع) عرض کردم: فدایت شوم. کاش برای اینها سفره جداگانه‌ای انداخته می‌شد. امام (ع) فرمودند: پروردگار ما، یکی است و پدر و مادر ما هم یکی و پاداش همه براساس کردار است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷: ۲۳).

امام رضا (ع) برخلاف مأمون که حق و حقوق مردم را پایمال می‌کرد، به حقوق آنها احترام می‌گذاشتند و از این طریق ارتباط قلبی و عاطفی با آنها برقرار می‌کردند. در مجلسی که مأمون برای بیعت گرفتن از مردم برای ولایتعهدی آن حضرت تشکیل داده بود، طبقات مختلف مردم حضور داشتند. امام (ع) از این فرصت برای یادآوری حقوق متقابل مردم و ائمه(ع) استفاده کرده و بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: «همانا از برای ما بر شما به واسطه رسول خدا (ص) حقی است و از شما نیز به واسطه آن حضرت بر ما حقی است. چنانچه شما حق ما را دادید، مراعات حق شما نیز بر ما واجب است» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۶۴).

اهمیت این سخن امام (ع) هنگامی مشخص می‌شود که بدانیم در آن مجلس از آن حضرت به جز این سخن، سخن دیگری نقل نشده است. امام (ع) از طرفی حقوق از دست رفته ائمه (ع) را به مأمون و مردم گوشزد کرده و از طرفی برای حق و حقوق مخاطبان خود ارزش قائل می‌شوند. بدین وسیله،

امام (ع) ارتباط مؤثر کلامی و گروهی با اقشار مختلف مردم برقرار کرده‌اند.

۴. نفوذ بر مخاطب به وسیله علم و دانش

یکی از مهمترین وظایف ارتباطات انسانی، تأثیرگذاری است. به کمک ارتباط می‌خواهیم نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها یا رفتار دیگران را تغییر دهیم. در بسیاری از وضعیت‌های ارتباطی، آنچه برای ما بسیار اهمیت دارد، اثرگذاری بر مخاطب و نفوذ در نگرش‌های اوست (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۱).

با مطالعه دقیق تاریخ زندگی امام رضا (ع) به خوبی مشخص می‌شود که امام (ع) نقش تأثیرگذاری بر فرهنگ و آداب و رسوم مردم داشته‌اند. امام (ع) با علم و دانش خود، فرهنگ رضوی را گسترش داده و ارتباطات مؤثری با دیگران برقرار ساخته‌اند. امام صادق (ع) به فضل‌بن‌عمر از شاگردان خود فرمودند: «الْعَالَمُ بَزْمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ؛ کسی که به زمان خود آگاهی و بصیرت دارد هیچ‌گاه شبهات بر او هجوم نمی‌آورند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۷) امام صادق (ع) در حدیث دیگری لقب عالم آل محمد (ص) را به امام رضا (ع) می‌دهند (طبرسی، ۱۳۹۰، ۳۲۸).

وقتی این دو روایت را کنار هم قرار دهیم ژرفای علم و آگاهی امام رضا (ع) بر ما مشخص می‌شود. شهید مرتضی مطهری می‌گوید: در میان ائمه (ع)، به اندازه‌ای که شخصیت علمی حضرت رضا و حضرت امیر (ع) ثابت شده و حضرت صادق (ع) هم در يك جهت دیگری شخصیت علمی هیچ امام دیگری ثابت نشده است. حضرت در پست ولایتعهدی به طور غیر رسمی شخصیت علمی خود را ثابت کردند. هوشیاری امام (ع) سبب شد کاری به نفع آنها صورت نگیرد، بلکه به نفع خود حضرت صورت گرفت (۱۳۸۷ ج ۱۸: ۱۴۲). امام رضا (ع) با علم و دانش گسترده خود، بر بسیاری از مردم حتی مخالفان خویش تأثیر داشته‌اند. مأمون از همین نفوذ امام (ع) بر مردم بیم داشت و تمام تلاش خود را برای محدود کردن ارتباط ایشان با مردم و نظارت بر کارهایشان انجام داد (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۵۳). ارتباط امام (ع) با عالم غیب از طرفی، سبب پیشگیری از توطئه‌ها و از طرفی موجب جلب اطمینان مردم به آن حضرت شده است. البته این علم غیب برای امام (ع) ذاتی و بالاستقلال نیست، بلکه همانطور که امام رضا (ع) با استدلال به قرآن فرمودند: «عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ

رسول (جن: ۲۶-۲۷) پس رسول خدا (ص) از کسانی است که علم غیب را میداند و ما هم ورثه آن رسول (ص) هستیم و اخبار آینده را تا روز قیامت می‌دانیم» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۹۷). این علم، لطف الهی به بندگان خاص خود است. روایت‌های فراوانی به ارتباط امام هشتم (ع) با عالم غیب اشاره دارد. در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم: مرحوم کلینی در اصول کافی از یاسر، خادم امام رضا (ع) اینگونه نقل می‌کند: هنگامی که مأمون از خراسان به قصد بغداد خارج شد و فضل ذوالریاستین و ما، همراه امام رضا (ع) خارج شدیم؛ نامه‌ای به فضل بن سهل ذوالریاستین از برادرش حسن بن سهل رسید در حالیکه ما در یکی از منزل‌های میان راه بودیم، حسن به برادر خود نوشته بود: من در تحویل سال از نظر حساب نجومی نگاه کردم و از آنجا دریافتم که تو در فلان ماه روز چهارشنبه گرمی آهن و آتش را خواهی چشید و نظر من این است که در آن روز به همراه مأمون و امام (ع) به حمام بروی، حجامت کنی و خون آنرا به دست خود بریزی تا این نحوست آن از تو برود. ذوالریاستین آنرا به مأمون نوشت و از او خواست که از امام (ع) را درخواست کند؛ پس مأمون به امام (ع) نوشت و از حضرت این درخواست را کرد. امام (ع) در پاسخ نوشتند من فردا به حمام نمی‌روم و برای تو و فضل هم صلاح نمی‌دانم که فردا به حمام روید. مأمون دوباره به امام (ع) نامه نوشت و ایشان دوباره در جواب نوشتند: من فردا به حمام نمی‌روم زیرا رسول خدا (ص) را امشب در خواب دیدم که به من فرمودند: ای علی، فردا به حمام مرو، من برای تو و سهل هم صلاح نمی‌دانم که فردا به حمام بروید مأمون در پاسخ حضرت نوشت: ای آقای من، راست فرمودی و رسول خدا (ص) هم راست گفته است، من فردا به حمام نمی‌روم و فضل به حال خود داناتر است (۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۹۰). نکته حائز اهمیت در این روایت، نفوذ و تأثیر امام (ع) بر مأمون و فضل بن سهل است. با اینکه شواهد تاریخی زیادی مبنی بر خصومت این دو با امام (ع) وجود دارد، ولی وسعت علم و آگاهی امام (ع) سبب شده که آنها هم در کارهای دشوار خود با حضرت مشورت کنند.

بعد از شهادت امام کاظم (ع)، مجلسی در بصره توسط امام رضا (ع) برای اقامه براهین امامت تشکیل شد. امام (ع) در جواب عمرو بن هذاب ناصبی که سعی در تخریب وجهه علمی امام (ع) داشته فرمودند: ای پسر هذاب، اگر به تو خبر بدهم در چند روز آینده مرتکب قتل یکی از خویشانت

می‌شوی، حرفم را تأیید میکنی؟ این هذاب گفت: خیر، زیرا به جز خداوند کسی علم غیب ندارد. امام (ع) فرمودند: مگر خداوند نفرموده است: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضى من رسول» (جن: ۲۶-۲۷) پس بدان که پیامبر اکرم (ص) مورد رضای خداست و علم غیب را می‌داند، ما هم ورثه آن رسول (ص) هستیم و اخبار آینده را تا روز قیامت می‌دانیم. آنچه به تو خبر دادم تا پنج روز دیگر واقع می‌شود. اگر آنچه گفتم راست نبود پس همانا من دروغگو هستم ولی اگر راست بود تو بر خدا و پیامبرش نسبت دروغ داده‌ای علامت دیگر آن که به زودی به کوری مبتلا می‌شوی و هیچ چیزی را نمی‌بینی نه کوهی، نه دشتی و این خبر تا چند روز دیگر محقق می‌شود. هم چنین قسم دروغی خواهی خورد و به مرض برص مبتلا می‌شوی محمدبن فضل و عده ای دیگر گفتند به خدا قسم هر چه حضرت رضا (ع) فرموده بود به او رسید و مبتلا به قتل، کوری و برص شد به او گفتند حضرت رضا (ع) راست گفتند یا دروغ؟ پاسخ داد: به خدا سوگند همان وقت که حضرت خبر دادند می‌دانستم که واقعیت خواهد داشت ولی من با حضرت مقاومت و لجبازی می‌کردم (جزایری، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۴۸) از این روایت برداشت می‌شود که حتی دشمنان امام (ع) به وسعت علم و دانش ایشان واقف بوده و در اعماق قلب خود برای حضرت ارزش قائل بودند. امام (ع) نهایت استفاده را از علم و دانش خود برای جذب قلوب مردم و برقراری ارتباط سازنده با آنها کرده است.

۵. توجه به نقش بازخورد در نفوذ بر دیگران

در روابط میانفردی، بازخورد می‌تواند به صورتی ظریف بر نتایج رابطه بین دو طرف ارتباط تأثیرگذار دارد. مثلاً بی‌توجهی مخاطب به گفته‌های فرستنده پیام پس از مدت کوتاهی او را به سمت خاموشی سوق می‌دهد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۱۷). تأیید کردن و تأیید گرفتن، تأثیر بسزایی در پویایی ارتباطات انسانی امام رضا (ع) داشته است. امام (ع) در مناظره با پیروان ادیان و مذاهب مختلف، نهایت استفاده را از مبانی کلامی و اعتقادی آنها کرده است. امام (ع) به وسیله سؤال از مخاطب خود و اقرار گرفتن از او، حداکثر استفاده را از این مهارت ارتباطی برده‌اند. در مناظره امام (ع) با جاثلیق انصاری هفت پرسش اساسی مطرح شد و در نهایت به وسیله تورات و انجیل از او اقرار گرفتند (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۴-۳۴۶) البته ذکر این

نکته ضروری است که بر مبنای آموزه‌های غربی در ابعاد گوناگون ارتباطات انسانی تأیید گرفتن از مخاطب صرفاً جهت ارضای نیازهای درونی و اجتماعی ارتباط گراست (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۴۰-۴۳) در حالی که در سیره ارتباطی امام^(ع) تأیید گرفتن از مخاطب بیشتر برای اقناع کردن او و اتمام حجت با دیگران به منظور هدایت مردم انجام گرفته است.

۶. توجه به نقش بافت و زمینه در برقراری ارتباط

توجه به دو عنصر زمان و مکان برای برقراری ارتباط مؤثر از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به دلیل اینکه جوامع انسانی، شرایط اجتماعی و جغرافیای فرهنگی ویژه‌ای دارند و هیچ ارتباطی بدون توجه به این شرایط نمی‌تواند ارتباط صحیح با افراد آن جامعه برقرار کند، امام رضا^(ع) با آگاهی از شرایط اجتماعی مردم در عهد عباسیان ارتباط نزدیکی با آنها برقرار ساختند. در دوران حکومت عباسی مردم و به خصوص شیعیان دچار فقر شدید اقتصادی و اعتقادی بودند. تلاش امام^(ع) برطرف کردن فقر اقتصادی، به وسیله برکت دادن به کشاورزی و برطرف ساختن فقر اعتقادی به وسیله شرکت در مناظره با منحرفان و تربیت شاگردان بر جسته بود (عرفان منش، ۱۳۷۶: ۱۳۹-۱۴۰).

در زمان هجرت تاریخی امام^(ع) از مدینه به مرو، حکومت عباسیان قلمروی وسیعی از خاور میانه را در بر گرفته است. گوستاو لوبون فرانسوی در این باره می‌نویسد: حقیقت این است که سلطنت سیاسی اعراب در زمان هارون و پسرش مأمون به اوج قدرت رسید، زیرا حد شرقی سلطنت آن‌ها در آسیا مرز چین بود و در آفریقا، اعراب قبایل وحشی را تا مرزهای حبشه و رومیان را تا تنگه بسفور به عقب راندند و همچنان تا کرانه‌های اقیانوس اطلس پیش رفتند (۱۳۵۸: ۲۱۱).

امام^(ع) در مدت کوتاه ولایتعهدی، حداکثر استفاده را از این موقعیت جغرافیایی با سفرهای متعدد به شهرهای مختلف کرده‌اند. حتی امام^(ع) پیش از سفر کسانی را به مقصد می‌فرستادند تا مردم را آگاه کنند و مقدمات سفر را آماده سازند (حکیم، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۲۲۸). این تدبیر موجب می‌شد که افراد بیشتری از وجود ذیجود امام^(ع) بهره‌مند شده و ارتباطات گسترده‌تری شکل بگیرد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آن چه بیان شد، به خوبی مشخص می‌شود امام رضا (ع) با بهره‌گیری از انواع روش‌های ارتباطی، با مردم فرهنگ‌های گوناگون ارتباط داشته‌اند. ارتباط کتبی، شفاهی، علمی و عملی از جمله روش‌های ارتباطی ایشان در سطوح کلامی و غیرکلامی بود که به اختصار در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت. نکته‌ی حائز اهمیت در سیره ارتباطی امام (ع) این است که ارتباطات ایشان بر خلاف برخی نظریه‌های غربی پیرامون ارتباطات انسانی به خاطر نیازهای درونی و اجتماعی نبود بلکه هدف امام (ع) استفاده مؤثر از این ارتباطات برای هدایت مردم بود. با توجه به تأکید رهبران دینی مبنی بر هم دلی و هم زبانی مربیان و مبلغان با مردم سیره عملی و مردم‌داری امام رضا (ع) می‌تواند الگوی مناسبی برای مسئولان، مدیران، مربیان و مبلغان دینی برای ارتباط مؤثر با مردم و مخاطبان باشد.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۳) مترجم ناصر مکارم شیرازی. چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول (ص) چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی بن ابونصر، (۱۳۷۹ق) مناقب آل ابیطالب (ع)، چاپ اول، قم: علامه.
۳. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ ق)، مکاتیب الأئمة (ع)، محقق/ مصحح مجتبی فرجی، چاپ اول، قم: دار الحديث.
۴. اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۱ ق)، کشف الغمة فی معرفة الائمة. چاپ اول، قم: رضی.
۵. آشوری، داریوش، (۱۳۸۹)، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، چاپ چهارم، تهران: آگه.
۶. امین عاملی، سید محسن، (۱۳۷۶)، سیره معصومان، چاپ دوم، تهران: سروش.
۷. بحرانی، عبدالله بن نورالله، (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم والمعارف والاحوال من لآیات والأخبار والأقوال.
۸. برکو، ریام ولوین آندرو دی و ولوین دارلین آر، (۱۳۸۶) مدیریت ارتباطات. مترجم سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. بلیک رید و هارولدسن اوین، (۱۳۷۸)، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات. مترجم مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۱۰. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲) سازمان وکالت چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس سره) جزائری، سید نعمت الله، (۱۴۲۷ ق) ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار. چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو. چاپ اول، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۱۲. جعفریان، رسول، (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی ائمه (ع) چاپ ششم، قم: انصاریان.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۳۳۹) تاریخ نیشابور. مترجم محمدخليفة نیشابوری، تهران: ابن سینا. حرعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه الى تحصيل مسائل الشریعه. چاپ اول، قم: آل البيت (ع) حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۲۵)، إثبات الهداة فی النصوص و المعجزات. چاپ اول، بیروت: اعلمی.
۱۴. حکیم، سیدمنذر (۱۳۸۴)، پیشوایان هدایت. مترجم حسین اسلامی اردکانی، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)
۱۵. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف .
۱۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا. چاپ اول، تهران: جهان.
۱۷. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی. چاپ سوم، تهران: اسلامیه.
۱۹. طوسی، ابن حمزه، (۱۴۱۹ق)، الثاقب فی المناقب. چاپ سوم، قم: انصاریان.
۲۰. عرفان منش، جلیل، (۱۳۷۶)، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع)، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق)، مسند الإمام الرضا (ع)، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. فرهنگي، علی اکبر، (۱۳۷۳)، مبانی ارتباطات انسانی. چاپ اول، تهران : تهران تایمز .
۲۳. قائمی، علی، (۱۳۸۵)، در مکتب عالم آل محمد (ص) امام علی بن موسی الرضا (ع) . قم: پیام مقدس.
۲۴. قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۹)، منتهی الآمال. چاپ اول، قم: دلیل ما.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ: چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية .
۲۶. گیل، دیوید و بریجیت ادمز، (۱۳۸۴)، الفبای ارتباطات. مترجم رامین کریمیان و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها .
۲۷. لوبون، گوستاو، (۱۳۵۸)، تمدن اسلام و عرب. مترجم سید هاشم حسینی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامیه. ماکیاولی، نیکولو، (۱۳۸۰)، شهریار. مترجم محمود محمود. چاپ سوم، تهران: عطار.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

۲۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۰) زندگانی حضرت امام رضا (ع) مترجم موسی خسروی، چاپ اول، تهران اسلامیة. محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۲) ارتباط شناسی. چاپ پنجم، تهران: سروش.
۳۰. مرعشی تستری، القاضی نورالله، (۱۴۰۹ ق) ف احقاق الحق. چاپ اول، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۳۱. مصحح محمدباقر موحدابطحی اصفهانی، چاپ اول، قم: الإمام المهدی (عج).
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری. چاپ هفتم، تهران: صدرا.
۳۳. معروف الحسنى، هاشم، (۱۳۸۲ ق)، سيرة الائمة الاثنی عشر (ع)، چاپ اول، نجف: المكتبة الحيدرية.
۳۴. مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ ق) الارشاد فی معرفة حجج الله على العباد. چاپ اول، قم: کنگرة شيخ مفید.
35. Craig, Rabert T (1999). Communication Theory as a Field. Communication theory, nine: two: 119-161.
36. Eadie, William F (2009). "Communication as A Field and as A Discipline". in 21st Century Communication A Refrence Handbook, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.
37. Pearce, Kevin J (2009), "Media and Mass Communication Theories". Encyclopedia of 1394
38. Communication Theory, SAGE Publications. 10Apr.2010. http://www.sageereference.com/communicationtheory/Article_n231.htm.